یادداشت روز

دیوهای تحریف فرشته‌های حقیقت!

با شروع ایام مبارک دهه فجر، شبهه‌افکنی‌ها نیز مثل هر سال، با حجم حیرت‌انگیزی شروع شده است. برخی حتی به تجزیه تحلیل خط به خط سرودها و اشعار ایام انقلاب مشغولند تا ضمن «مقایسه» دو دوره قبل و بعد از انقلاب نتیجه بگیرند، انقلاب اسلامی ایران، شکست خورده و دوران قبل از انقلاب اوضاع بهتر بوده است! برخی با انتشار مثلا یک عکس از یکی از میادین شهر تهران (پایتخت) در سال‌های قبل از وقوع انقلاب اسلامی و گذاشتن آن عکس کنار عکسی در مثلا یکی از روستاهای دورافتاده کشور (که غالبا پس از بررسی متوجه می‌شوی اصلا عکس نیست) تلاش می‌کنند، «مقایسه»ای در ذهن مخاطب ایجاد کرده و چنین القا کنند که، با وقوع انقلاب، کشور عقبگرد داشته است. برخی نیز اصلا نیاز به مقایسه نمی‌بینند و با انتشار تصاویر و گزارش‌های کذب و ساختگی، به این انقلاب و کشور و مردمانش، حمله و شبهه‌افکنی می‌کنند. (برای آشنایی کامل با این روش‌ها، مطالعه «تعمیم افراطی» یا Overgeneralization که یک خطای شناختی است و دکتر "آرون بک"، روانشناس آمریکایی از آن در کتابش استفاده کرده است، به‌شدت توصیه می‌شود.) همه این شبهه‌افکنی‌ها و «کج‌روایت‌ها» نیز با تکیه بر شرایط نه چندان مساعد اقتصادی، صورت می‌گیرند تا محتوای تولیدی‌شان، قدرت «اقناع‌سازی» مخاطب را داشته باشد. از آنجایی که استفاده از «تکنیک مقایسه» بین این طیف بسیار برجسته و پُرطرفدار است، در این یادداشت قصد داریم ضمن تایید وجود مشکلات اقتصادی در کشور به بررسی روش پُرکار بُرد این تکنیک در رسانه پرداخته و به این سؤال‌ها پاسخی منطقی و علمی دهیم که ۱- «آیا با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، واقعا اوضاع کشور بدتر شده است؟» و ۲- «جمهوری اسلامی ایران را دقیقا با کدام دوران درخشان مقایسه می‌کنند؟»

برای فهم دقیق‌تر «تکنیک مقایسه» در رسانه، بد نیست ابتدا با یک اصطلاح مهم جامعه‌شناسی مرتبط، یعنی «محرومیت نسبی» (Relative Deprivation) آشنا شویم. از جمله جامعه‌شناسان مطرحی که در این حوزه خوب کار کرده است، «پیتر تاونزند» (Peter Townsend) انگلیسی است که در کتاب مهم خود «فقر در بریتانیا»، به جای تمرکز صرف روی کمبود درآمد، بر مفهوم «محرومیت نسبی» تاکید کرده است.

«محرومیت نسبی» به زبان ساده، به «احساس نارضایتی» و «کمبود»ی اشاره دارد که فرد هنگام مقایسه با دیگران با آن مواجه می‌شود. این احساس نارضایتی، نه لزوما بر اساس کمبود، بلکه بر اساس مقایسه با دیگران شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، فرد ممکن است به اندازه کافی داشته باشد، اما به دلیل مقایسه با کسانی که «بیشتر» یا «بهتر»ش را دارند، احساس محرومیت و نارضایتی کند. نکته کلیدی در این اصطلاح مهم جامعه‌شناختی، میزان «داشته‌های من» نیست، مهم این است که، «داشته‌های طرف مورد مقایسه» بیشتر یا بهتر است. به این نکته هم باید توجه داشت که انسان، به طور ذاتی، اهل مقایسه است. با آمدن فضای مجازی و به نمایش گذاشته شدن زندگی‌های شخصی در آن، محرومیت نسبی بیش از گذشته، حس می‌شود! «تکنیک مقایسه» اما یک اصطلاح رسانه‌ای است که بی‌ارتباط با «محرومیت نسبی» مورد بحث ما نیست. به این مثال‌ها توجه کنید:

وقتی خودروی سمند در اوج محبوبیت بود، یکی از شبکه‌های برون‌مرزی فارسی زبان(که بسیاری از آنها با آمدن ترامپ بودجه‌شان قطع شده است) سمند ایرانی را کنار آخرین مدل بنز آلمانی گذاشت و شروع به مقایسه آنها با هم کرد! نتیجه معلوم بود. رسانه‌ای دیگر، ناو جماران را کنار ناو هواپیمابر «یو اس اس جرالد آر. فورد»، بزرگ‌ترین ناو جهان گذاشت! و با ادبیات طنز، به مقایسه این دو پرداخت بدون این که اشاره کند، جمهوری اسلامی ایران فقط ۴۰ سال است که از یوغ همین آمریکا خارج شده و به تنها تولیدکننده ناو در منطقه تبدیل شده است و اینکه، «پیش از انقلاب، ایران تحت چمبره آمریکا، توان - یا اجازه - تولید چه چیزی را داشت؟» ضمن اینکه مقایسه هم اگر صورت می‌گیرد باید با کشورهای منطقه و اطراف صورت بگیرد که بسیاری از آنها از بدو تولد، تحت امر همین آمریکا بوده‌اند و حالا قادر نیستند بدون حمایت قدرت‌ها، یک پیچ تولید کنند؟! کشورهایی که همه چیزشان - از کارشناس و خلبان و مهندس تا فیلمساز و فوتبالیستشان - همه و همه وارداتی است.

سؤال مهم دیگری که از این طیف باید پرسید این است که، وقتی از مقایسه و تکنیک‌های رسانه‌ای استفاده می‌کنند، «ایران بعد از انقلاب اسلامی» را دقیقا با کدام دوران ایران قبل از انقلاب مقایسه می‌کنند تا نتیجه بگیرند اوضاع بدتر شده است؟! با ایرانی که هم در جنگ جهانی اول و هم در جنگ جهانی دوم اشغال شد، مقایسه می‌کنند؟ یا با ایرانِ سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ مقایسه می‌کنند که بر اساس برآوردهای مختلف، فقط بر اثر قحطی و گرسنگی حاصل از اشغالگری بیش از ۴ میلیون و به روایتی تا ۱۰ میلیون نفر جان باختند؟! یا با ایران بعد از اشغال در سال ۱۳۲۰ مقایسه می‌کنند که تا ۵۰۰ هزار نفر از مردم کشورمان از بیماری، گرسنگی و... جان باختند؟! این حجم از تلفات، جدای از کشته شدگان در جنگ و هرج‌ومرج و درگیری‌های پس از اشغال است. شاید هم با دوران پهلوی و سال ۱۳۴۱ مقایسه می‌کنند که وزیر کشاورزی‌وقت گفت: «۸۰ درصد مردم گرسنه یا نیمه گرسنه‌اند»؟! (روزنامه اطلاعات ۲۱ تیر ماه ۱۳۴۱ شماره ۱۰۸۴۶) ممکن است گفته شود، با پیش از این سال‌ها مقایسه می‌کنند. مثلا با سال ۱۲۰۷ شمسی و دوران جنگ ایران و روسیه که با عهدنامه ترکمنچای مناطق وسیعی از کشورمان یعنی ایروان، نخجوان و تالش جدا شد! با ایامی که کوه‌های آرارات و جمهوری فعلی آذربایجان را از دست دادیم هم می‌توانند مقایسه کرده باشند!

از این مقایسه‌ها باز هم می‌توان کرد. آن هم نه فقط در حوزه‌های سیاسی و نظامی که، در حوزه‌های علمی و تکنولوژیکی. می‌توان دوران بعد از انقلابِ درگیر در انواع جنگ‌ها و توطئه‌ها را با دوران پیش از انقلابِ دوستی با آمریکا و غرب، در حوزه‌های زیادی مقایسه کرد. مثلا در حوزه پزشکی و درمان می‌توان دورانی را که به پزشک‌های بنگلادشی و هندی محتاج بودیم را با دورانی مقایسه کنیم که بیش از ۲ میلیون نفر فقط در چارچوب صنعت «توریسم‌درمانی» از کشورهای مختلف جهان به کشورمان می‌آیند تا از خدمات ارزان، با کیفیت و کم‌نظیر متخصصان کشورمان استفاده کنند. مقایسه شاخص مرگ و میر نوزادان هم بد نیست. اینکه پیش از انقلاب شاخص مرگ و میر نوزادان ۱۵۰نفر در هر هزار نفر بود و اکنون این شاخص رسیده است به ۹ نفر در هر هزار نفر. این شاخص در مرگ‌ومیر مادران هم از ۲۵۰ نفر در هر ۱۰۰هزار نفر در پیش از انقلاب رسیده است به ۲۳ نفر در هر ۱۰۰هزار نفر پس از وقوع انقلاب.

بیایید یک مقایسه‌ای هم در حوزه «آموزش زنان» داشته باشیم: کاهش شکاف جنسیتی در آموزش به ۳درصد، افزایش سهم زنان در جمعیت دانشجویان به بیش از ۵۲ درصد و رشد حضور زنان در رشته‌های علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات که همگی از جمله دستاوردهای مهم ایرانِ پس از انقلاب است. و اما در حوزه اشتغال زنان باید گفت اکنون که در حال مطالعه این یادداشت هستید، ۴۱درصد از شغل‌های ایجاد شده، ۳۰درصد از مجوزهای مشاغل و ۸۰درصد از مجوزهای مشاغل خانگی به زنان اختصاص یافته است. همچنین بیش از ۴هزار شرکت از ۱۰هزار شرکت دانش‌بنیان کشور توسط زنان مدیریت یا هدایت می‌شود. انتصاب زنان در مشاغل مدیریتی نیز به بیش از ۴۰هزار نفر در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است. همچنین انتصاب زنان به عنوان وزیر، معاون رئیس‌جمهور، سخنگوی دولت و دیگر مناصب کلیدی به بیش از ۷۰ نفر رسیده است. اینکه «اعداد و ارقام» این حوزه‌ها در پیش از انقلاب را نمی‌آوریم به این دلیل است که، عدد و رقم‌ها، اصلا قابل مقایسه با پس از انقلاب نیست....

جعفر بلوری

تلاش بی‌وقفه شهید رئیسی برای ایران جمعه‌هایی که تعطیل نبود

روزهایی بود که رئیس‌جمهور بی‌خبر از همه‌جا «صبح جمعه» از مسائل کشور مطلع می‌شد. روزهایی بود که رئیس‌جمهور فارغ از گرمای تابستان و سرمای زمستان در هوای مطلوب اتاق کارش، روی صندلی راحت ریاست‌جمهوری می‌نشست و کشور را از دریچه چند اینچی یک صفحه نمایش اداره می‌کرد. روزهایی بود که رئیس‌جمهور با شیشه‌های دودی و دستورالعمل‌های امنیتی دیواری قطور میان خود و مردم کشیده بود. روزهایی بود که نام دولت «امید» و رسمش «ناامید» کردن مردم بود. آن روزهای تلخ اگرچه به تاریخ نپیوست اما دست‌کم برای چند سالی متوقف شد و مردم رئیس‌جمهوری را انتخاب کردند که در خدمت به ملک و ملت آرام و قرار نداشت.

با سیدابراهیم رئیسی «جمعه» نماد کار و تلاش و آگاهی از مسائل مردم و کشور شد. ۱۱ شهریورماه ۱۴۰۱ یکی از همان جمعه‌هایی بود که رئیسی عزیز به منظور افتتاح طرح آبرسانی غدیر با هدف تامین آب ۲۶ شهر و ۱۰۰۰ روستای استان خوزستان به دزفول سفر کرد. طرح غدیر موجب تامین آب شرب ۵۲ درصد جمعیت استان خوزستان شد. این پروژه بزرگ‌ترین پروژه آبرسانی قرن در استان خوزستان بود. پروژه‌ای که وعده انتخاباتی خیلی از دولت‌ها بود و سال ۱۳۸۷ آغاز شد اما تا ابتدای دولت سیزدهم کمتر از ۵۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشت. با روی کار آمدن دولت شهید رئیسی این پروژه با تامین مالی ۱۲۰۰ میلیارد تومانی و با همت و تلاش ۲۰۰۰ نفر از مهندسان و کارگران ایرانی در مدت ۱۰ ماه به مرحله بهره‌برداری رسید. پروژه غدیر آب شیرین مصرفی قریب به ۴,۷ میلیون نفر را در این استان تامین کرد. براساس هدف‌گذاری پروژه، مردم خوزستان تا ۲۰ سال آینده با وجود این پروژه، از آب پایدار و با کیفیت برخوردار خواهند بود.

***

۹ تیر ۱۴۰۲، جمعه‌ای دیگر برای خدمت به مردم بود. شهید رئیسی طی سفر به استان کرمان، طرح آب‌رسانی به شهرستان‌های بم و بروات را افتتاح کرد. این طرح آب‌رسانی که در سفر سال ۱۴۰۱ دولت به استان کرمان، پس از ۱۰ سال وقفه دوباره فعال شده بود، پس از گذشت کمتر از یک‌سال از وعده شهید رئیسی به مردم شهرستان بم افتتاح و به بهره‌برداری رسید. طرح انتقال آب شرب به شهرستان‌های بم و بروات شامل خط لوله به طول ۵۷ کیلومتر، ایستگاه پمپاژ به ظرفیت ۹۷۰ لیتر در ثانیه، دو مخزن ۱۰ و ۵ هزار مترمکعبی و ۴۰ کیلومتر خط برق است که فاز اول تصفیه‌خانه این طرح نیز به ظرفیت ۲۵۰ لیتر از مجموع ۱۵۰۰ لیتر بر ثانیه افتتاح شد. این پروژه از سد نسا، بیش از ۱۰ سال نیمه‌کاره رها مانده بود و در حالی که سد نسا یکی از بهترین آب‌های استان را از منشا کوه‌های جبال‌بارز دارد، مردم شهرهای شرقی استان به ویژه بم از دسترسی به این آب باکیفیت محروم بودند. این پروژه ۲۴۰هزار نفر ساکنان شهرهای بم و بروات را تحت پوشش آب شرب سالم و پایدار قرار داد و با توسعه طرح آب‌رسانی به سایر شهرستان‌های شرق استان از جمله فهرج، نرماشیر و ریگان ۴۲۲ هزار نفر دیگر را نیز از آب شرب سالم و گوارا بهره‌مند می‌کرد.

***

صبح روز جمعه ۷ مهر ۱۴۰۲ سیدابراهیم رئیسی به استان اصفهان سفر کرد تا در آئین افتتاحیه پنجمین دوره جایزه بین‌المللی مصطفی(ص) حضور پیدا کرده و چند پروژه استانی را نیز افتتاح و بازبینی کند. او در اولین بخش از برنامه سفر یک‌روزه خود، ضمن بازدید از مرحله اول اجرای طرح ملی انتقال آب از دریای عمان به اصفهان، دستور آغاز اجرای مرحله دوم این طرح را صادر کردند. در مرحله نخست انتقال آب سالیانه ۷۰ میلیون مترمکعب و در مرحله دوم ۴۰۰ میلیون مترمکعب آب از دریای عمان به اصفهان انتقال داده می‌شد. هزینه اجرای مرحله نخست این طرح ۲۵,۵ هزار میلیارد تومان و مرحله دوم ۱۱۳ هزار میلیارد تومان اعلام شده و تمامی هزینه اجرای این دو مرحله را صنایع بزرگ و آب‌بر استان اصفهان تامین می‌کردند. انتقال آب از دریای عمان بخشی از طرح احیای زاینده‌رود بود که با اجرای مرحله نخست، برداشت آب از زاینده‌رود توسط صنایع قطع خواهد شد و در مرحله دوم علاوه‌بر آب صنایع، مازاد آب در بخش آشامیدنی، کشاورزی و حقابه محیط زیست صرف می‌شد.

***

۱۶ آذر ۱۴۰۲، پنجشنبه بود که شهید رئیسی به دعوت رئیس‌جمهور روسیه، در سفری یک روزه به مسکو رفت. با پایان سفر، او به کشور بازگشت و بلافاصله پس از رسیدن به تهران در ساعت ۳ بامداد روز جمعه ۱۷ آذر ۱۴۰۲ عازم استان البرز شد. سید ابراهیم رئیسی تنها اندکی فرصت پیدا کرد تا استراحت کند و سپس باز هم مثل همه جمعه‌هایش در جمع مردم حاضر شد، مشکلاتشان را شنید، مسائل استان‌شان را بررسی کرد و دستورات لازم برای پیگیری کارها را به مسئولان دولتی داد. اتفاقی که پس از شهادتش مورد تمجید مقام معظم رهبری نیز قرار گرفت.

***

جمعه ۱ دی‌ماه ۱۴۰۲ شهید رئیسی در سفر به استان گلستان، پس از بازدید از چند پروژه عمرانی و خدماتی، با حضور در کارخانه علم و فناوری گرگان، پروژه بزرگ فیبر نوری استان را افتتاح کرد و به بهره‌برداری رساند. با افتتاح این پروژه، تمام ۳۷ شهر استان گلستان تحت پوشش فناوری اینترنت پرسرعت قرار گرفتند. پروژه‌ای که برای اجرایش و برخورداری همه شهرها و روستاهای استان گلستان از فناوری فیبر نوری بیش از هزار و ۳۰۰ کیلومتر حفاری انجام گرفته بود.

***

با نوزدهمین سفر خارجی شهید رئیسی در روز جمعه ۳ شهریور ۱۴۰۲ به آفریقای جنوبی و اجلاس بریکس؛ شورای بریکس با عضویت دائم ایران در این پیمان نامه موافقت کردند. این گروه بیشترین سهم از تولید ناخالص داخلی جهانی (۳۱,۵ درصد) را در مقایسه با سایر بلوک‌های اقتصادی از جمله گروه ۷ (۳۰,۷ درصد) به خود اختصاص داده است. ۴۶ درصد از نیروی کار دنیا، یک چهارم مساحت خشکی زمین، حدود ۴۰ درصد از جمعیت جهان (۳ میلیارد و ۱۸۷ میلیون نفر در سال ۲۰۲۱) به اعضای فعلی این گروه تعلق دارد.

***

جمعه ۲۶ فروردین ۱۴۰۱، شهید رئیسی با هنرمندان و فعالان عرصه فرهنگ و هنر دیدار کرد و پای حرف‌هایشان نشست. جمعه ۳۰ اردیبهشت، شهید رئیسی در دیدار با اقشار شهرستان مهاباد، صمیمانه از مشارکت و همراهی تک‌تک مردم با اصلاحات اقتصادی دولت قدردانی کردند. جمعه ۱۳ خرداد شهید رئیسی در محل حادثه ریزش ساختمان متروپل آبادان حاضر شدند. جمعه ۲۷ خرداد، شهید رئیسی در حاشیه اجتماع مردمی هسته‌های جهاد و پیشرفت از جهادگران نمونه و جمعی از خانواده‌های جهادگر و جهادگران آسمانی تجلیل به عمل آورد. جمعه ۱۷ تیر، شهید رئیسی از واحد پرورش قارچ «کشت سبز اورامان» واقع در روستای قلعه‌جی شهرستان سروآباد به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مزارع پرورش قارچ کشور بازدید کردند. جمعه ۳۱ تیر، شهید رئیسی از کارخانه هپکو اراک بازدید کرد. او همان روز بزرگ‌ترین خط تولید پنل‌های خورشیدی کشور را در شهرستان خمین افتتاح کرد. جمعه ۲۵ آذر ۱۴۰۱، شهید رئیسی با حضور در جمع مردم مرزنشین روستای لانو از توابع شهرستان سربیشه، ضمن دیدار و گفت‌وگو با مردم این منطقه، از طرح‌های عمرانی و محرومیت‌زدایی روستاهای این شهرستان بازدید کرد. رئیسی عزیز «جمعه‌های خدمت» را بی‌وقفه ادامه می‌داد برای او هیچ روزی «تعطیل» نبود. او در آخرین جمعه حیاتش و در دومین سفر استانی دولت سیزدهم به استان مازندران رفت. باز هم پای درددل و مشکلات مردم نشست. ۳۹۵ واحد راکد تولیدی استان از جمله کارخانه صنایع چوب و کاغذ مازندران را به چرخه تولید بازگرداند، بیمارستان قائمشهر را پس از ۱۸ سال وقفه افتتاح و دستورات لازم برای رفع موانع اجرای طرح جامع خودکفایی تولید برنج را صادر کرد.

***

شهید رئیسی در دوران کمتر از ۳ سال ریاست جمهوری خود، ۴۸ سفر استانی و ۲۸ سفر خارجی داشت. در کنار این سفرها، بازدید سرزده از نهادها و ارگان‌های مختلف نیز از عادات مدیریت ایشان بود. او اکثر سفرهای استانی دولت را در روزهای جمعه و سایر روزهای تعطیل برگزار کرد. به طوریکه تمامی جمعه‌های شهید رئیسی در سفر به استان‌ها، سفر به سایر کشورها و یا برگزاری جلسات مهم مدیریتی خلاصه شد. اسکندر مؤمنی، وزیر کشور دولت چهاردهم، با اشاره و قدردانی از همین تلاش‌های شبانه‌روزی شهید رئیسی گفت: «یک جمعه ندیدیم که شهید رئیسی در سفر نباشد.»

میراث شهید رئیسی، نه فقط در پروژه‌های عمرانی و دستاوردهای سیاسی، بلکه در همین روحیه خستگی‌ناپذیر و تعهد بی‌وقفه به خدمت نهفته است. او با عملکرد خود نشان داد که خدمت به مردم، تعطیلی ندارد و می‌توان با تلاش شبانه‌روزی حتی در کمتر از ۳ سال، گام‌های مؤثری در جهت پیشرفت و آبادانی کشور برداشت. این میراث ارزشمند، الگویی برای مدیران و مسئولان کشور خواهد بود و یادآور این نکته که خدمت بی‌منت و تلاش بی‌وقفه، رمز ماندگاری و سربلندی است. جمعه‌های شهید رئیسی هرگز تعطیل نبود، بلکه روزهایی مملو از تلاش، سازندگی و خدمت به مردم بود؛ جمعه‌هایی که برای همیشه در تاریخ ایران ماندگار خواهد ماند.

گفت و شنود

پمپ بنزین!

گفت: خانم «تولسی گابارد»، گزینه ترامپ برای مدیریت سازمان اطلاعات ملی آمریکا طی سخنانی در کنگره گفته است: دستور دونالد ترامپ برای کشتن [شهادت] قاسم سلیمانی درست بود!

گفتم: ولی این خانم در گذشته اقدام ترامپ در ترور شهید سلیمانی را یک خطای بزرگ دانسته بود. حالا چه شده که اصرار دارد این اقدام جنایتکارانه ترامپ را تأیید کند؟!

گفت: سخنان او در سنا برای جلب نظر مثبت نمایندگان کنگره آمریکا بوده است تا صلاحیت او را برای پست مهمی که قرار است ترامپ به او بدهد، تأیید کنند!

گفتم: به بیان دقیق‌تر، اظهارات او که قرار است بالاترین پست اطلاعاتی آمریکا را بگیرد، به وضوح از ماهیت تروریستی ترامپ و نگاه براندازانه آمریکا به ایران اسلامی خبر می‌دهد.

گفت: با این حساب، طرفداران مذاکره با آمریکا خجالت نمی‌کشند که به خون پاک شهید سلیمانی خیانت می‌کنند؟!

گفتم: یارو توی پمپ بنزین سیگار می‌کشید! گفتند خطرناکه، خجالت بکش! گفت؛ چه خجالتی؟! من جلوی بابام هم سیگار می‌کشم! گفتند جلوی بابات هر غلطی دلت می‌خواد بکن! این‌جا پمپ بنزین را به آتش می‌کشی!

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* طرح مسائل و اختلافات داخلی در محیط‌های بین‌المللی که موجب تضعیف یکپارچگی ملت ایران در برابر دشمنان خارجی بشود و دشمن برداشت ضعف از نظام بکند کم گناهی نیست. فرد بی‌ربطی مثل ظریف در اجلاس بین‌المللی داووس مسائل انتخاباتی کشورمان را به میان کشیده که چه بشود؟

خدایاری

*این روزها سخن از مذاکره با آمریکا در کشورمان فراتر از زمزمه رفته و از مسئولان ارشد دولت تا رسانه‌های منسوب و طرفدارش نه تنها به آن تصریح دارند؛ بلکه برای آن ادبیات‌سازی هم می‌کنند. این ادبیات‌سازی غالباً به گونه‌ای است که می‌تواند خطای محاسباتی و ادراکی برای طرف مقابل ایجاد کرده و پیام ضعف ایران را مخابره کند.

بهشادی

*آمریکا به دلیل پیام‌های ضعفی که از دولتمردان ما در رابطه با موضوع مذاکره دریافت کرده به صورت برنامه‌ریزی شده مطالبه مذاکره جامع بر سر مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران را در دستور کار خود قرار داده است. این وضعیت به معنی بازگشت به نقطه آغاز مذاکرات در ۲۰ سال پیش خواهد بود. در حالی که ما راه زیادی جلو آمده‌ایم و امروزمان را قوی‌تر از دیروز ساخته‌ایم تا زیر بار ظلم نرویم و از خطوط قرمز عزت، استقلال، منافع ملی و قدرت دفاعی خودمان کوتاه نیاییم.

قائمی‌مهر

* نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی که در رسانه‌ها مدعی نابودی حماس بود، بعد از ۱۵ ماه جنایت علیه مردم فلسطین در نهایت مجبور شد با حماس مذاکره کرده و مفاد قرارداد آتش‌بسی را که ماه‌ها پیش با آن مخالفت کرده بود، بپذیرد.باید بگویم صهیونیست‌ها بد جوری هم باختند.

سیدیان

* قرارداد آتش‌بس جنگ غزه آن هم بر اساس خواسته‌های حماس آخرین تیر ترکش مقاومت بر پیکر رژیم صهیونی بود. جبهه مقاومت همان‌گونه که در میدان شجاعانه و عاقلانه عمل کرد، در میدان دیپلماسی و مذاکرات هم مقتدرانه و عزتمندانه درخشید. در واقع باید گفت «طوفان‌الاحرار» در امتداد طوفان‌الاقصی اتفاق افتاده است.

آقانژادیان

* این توافق و تبادل اسرا که پس از ۱۵ ماه جنگ نسل‌کشی صهیونیست‌ها سرانجام با پایداری و جانفشانی مردم غزه حاصل شد، در حکم یک پیروزی تاریخی به شمار می‌رود.در ضمن این نبرد طولانی اثبات کرد رژیم صهیونی تنها زبان زور می‌فهمد و بس.

جهانگیرزاده

* شبکه الجزیره در اقدامی عجیب تقدیر و تمجید«ابوعبیده» سخنگوی گردان‌های نظامی جنبش حماس از ایران و یمن را سانسور کرده و صرفاً به مخابره مکتوب تشکر از قطر و اردن اکتفا کرد.این در حالی است که ابوعبیده در سخنان خود تأکید کرد به جمهوری اسلامی ایران درود می‌فرستیم به خاطر پشتیبانی‌های پی‌درپی وارد شدند و وعده‌های صادق را اجرا کردند. این سانسور عجیب در اطلاع‌رسانی می‌تواند به اعتبار این رسانه در نزد ملت‌های منطقه ضربه جدی بزند.

مسگر

* استقرار سریع و برق‌آسای نیروهای حماس در سراسر غزه همزمان با آغاز آتش‌بس و استقبال آنها از سوی مردم فلسطین موجب شگفتی صهیونیست‌ها و ناظران شده است.این درحالی است که تل‌آویو مدعی بود که حماس را از کار انداخته و توان بازیابی خود را ندارد. جی بیچور روزنامه‌نگار صهیونیستی در این مورد نوشته بفرمایید، شما در حال تماشای روز بعد از جنگ هستید که نیروهای حماس در سراسر نوار غزه استقرار یافته‌اند و مانند قهرمانان از آنها استقبال می‌شود.

شبانی‌اصل

* زلنسکی مدعی شده به دلیل مشغله جنگ نتوانسته به مراسم تحلیف ترامپ برود.اما دونالد ترامپ جونیور پسر ارشد ترامپ در واکنش به این موضوع اعلام کرد زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین تاکنون سه بار درخواست رسمی خود برای شرکت در مراسم تحلیف رئیس‌جمهور آمریکا را مطرح کرده بود، اما هر بار این درخواست رد شد. یاد شاه ملعون و نوکر آمریکایی‌ها افتادم که به رغم آن همه نوکری غرب آخر عمری به آمریکا هم راهش ندادند.

چرخ‌کار

* کاش برجام هم مثل آزادی گروگان‌های یهودی و اسرای فلسطینی گام به گام و از موضع برتر به اجرا گذاشته می‌شد. حماس واقعا چقدر زیبا و مقتدرانه، رژیم صهیونیستی را تحقیر کرد.

حلاج

*نسلی که در دوران دفاع مقدس، شناسنامه‌های خود را دستکاری می‌کردند تا مجوز حضور در میدان نبرد را به دست آورند، امروز به همراه فرزندان خود آماده‌اند تا راه نیمه‌تمام حاج قاسم را ادامه بدهند. و مأموریت نیمه‌تمام این شهید قدس را به انجام برسانند. و آزادی بیت‌المقدس را محقق سازند .به نظر می‌رسد امروز برای این اقدام، از هر زمان دیگری مناسب‌تر است.

نیکوراد

امیر واحدی:

دو دستاورد جدید نیروی هوائی ارتش رونمایی می‌شود

فرمانده نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران در بازدید از پایگاه «شهید حسینی بیرجند» گفت: دو دستاورد جدید نیروی هوائی ارتش به زودی رونمایی می‌شود.

امیر سرتیپ خلبان حمید واحدی، فرمانده نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران با حضور در پایگاه شهید حسینی بیرجند ضمن بازدید از بخش‌های مختلف این یگان در جمع فرماندهان و مسئولان گفت: نیروی هوائی ارتش آماده‌تر از همیشه برای اجرای فرامین فرمانده معظم کل قوا (مدظله العالی) است.

وی افزود: برای مقابله با هر تهدیدی در هر سطح، آمادگی بالایی در نیروهای مسلح کشور وجود دارد.

فرمانده نیروی هوائی ارتش با بیان اینکه هواپیماها و پرنده‌های بدون سرنشین نیروی هوائی ارتش به سامانه‌های روز دنیا مجهز شده‌اند، اظهار داشت: بزودی شاهد رونمایی از دو دستاورد جدید در نیروی هوائی ارتش خواهیم بود.

امیر واحدی همچنین در جمع کارکنان پایور و وظیفه پایگاه شهید حسینی بیرجند خاطرنشان کرد: در گام دوم انقلاب، جوانان در نوک پیکان هستند که باید با اتکا به خداوند مسئولیت‌های خطیری را برعهده بگیرند تا شاهد پیشبرد اهداف عالیه نظام جمهوری اسلامی ایران باشیم.

خبر ویژه

اعتراف غربگرایان به بی‌محلی ترامپ در مقابل التماس مذاکره

روزنامه‌های غربگرا پس از چند ماه خبرسازی جعلی درباره مذاکره و التماس مذاکره اعتراف کردند که ترامپ نسبت به آنها بی‌محلی و بی‌اعتنایی می‌کند. این ضمنا اعتراف به دروغ بودن اخبار جعلی مثل دیدار ایلان ماسک با نماینده ایران در سازمان ملل است.

روزنامه شرق با اذعان به این که «چراغ دولت آمریکا برای مذاکره خاموش است»، از بی‌عملی طرف‌های مقابل در برابر پالس‌های «دولت چهاردهم برای مذاکره» خبر داد و نوشت: در حالی طی روزهای اخیر و پس از مواضع محمدجواد ظریف در نشست داووس، شاهد فعالیت پررنگ برخی تریبون‌ها و بلندگوهای داخلی علیه مذاکرات و تنش‌زدایی با غرب هستیم که هنوز در طرف مقابل اقدامی عملی برای تعامل با دولت چهاردهم صورت نگرفته است. مجید تخت‌روانچی معاون وزارت خارجه در مصاحبه‌ای اذعان کرد: «یکی از دلایلی که باعث شده هنوز نتوانیم به مرحله مذاکره برسیم، این بوده که دولت جدید آمریکا تاکنون موضع خودش را در قبال توافق هسته‌ای و مذاکرات هسته‌ای اعلام نکرده است».

شرق ذیل عنوان «چراغ سبز تهران و چراغ خاموش غرب» نوشت: حتی دیپلمات‌های اروپایی هم وب‌سایت آکسیوس خبر داده‌اند «ایرانی‌ها در ژنو به صراحت اعلام کردند که می‌خواهند مذاکراتی را درباره توافق هسته‌ای جدیدی آغاز کنند که با توافق سال ۲۰۱۵ که ترامپ در سال ۲۰۱۸ از آن خارج شد، متفاوت باشد». این رسانه مدعی است «مقامات ایران خواسته‌اند تا این پیام را به واشنگتن برسانند و تأکید کرده‌اند که منتظر طرح یا پیشنهاد آمریکا هستند». اینها تنها بخشی از مواضع حدود یک ماه گذشته مقامات سیاسی و دیپلماتیک دولت چهاردهم است. درحالی‌که در حدود شش ماهی که از عمر این دولت می‌گذرد، اعضای کابینه به صورت مستقیم و غیرمستقیم و در مقاطع مختلف زمانی، برای تنش‌زدایی با غرب اعلام آمادگی کرده بودند که در نهایت با تأخیر زیاد شاهد برگزاری دو دور گفت‌وگوهای ایران و اروپا به میزبانی ژنو بودیم و هنوز هم مذاکرات رسمی بین ایران و اروپا شکل نگرفته است و به طریق اولی، خبری هم از نحوه تعامل و شیوه مذاکره تهران- واشنگتن در دولت ترامپ نیست.

شرق بی‌آنکه از گدایی مذاکره و بی‌محلی غرب احساس ننگ و شرمندگی کند، به منتقدان حمله می‌کند و می‌افزاید: در این بین، بی‌عملی غرب برای آغاز مذاکرات و بی‌پاسخ گذاشتن تمام مواضع مثبت و چراغ سبزهای مقامات، هزینه سیاسی را برای دولت چهاردهم بالا برده و درحالی‌که هنوز غرب و مشخصا دولت ترامپ هیچ‌گونه گام عملی برای مذاکرات برنداشته‌اند، برخی تریبون‌ها و مجاری رسانه‌ای رادیکال‌های داخلی، در جهت عدم شکل‌گیری و سنگ‌اندازی در مسیر مذاکرات آغاز به کار کرده‌اند و در گامی رو به جلو، خواستار محاکمه برخی مقامات به دلیل آمادگی برای مذاکره با دولت ترامپ هستند.

روزنامه غربگرا در ادامه از قول یک کارشناس اذعان کرد: «دولت ترامپ عجله‌ای برای آغاز مذاکرات با تهران ندارد. این در حالی است که دولت پزشکیان، به دنبال آغاز هرچه سریع‌تر مذاکرات است. شتاب‌زدگی برای آغاز فوری مذاکرات می‌تواند به ضرر تهران تمام شود».

آنچه در تحلیل طولانی شرق مغفول و مسکوت مانده، طلبکاری ایران درباره نقض توافق برجام از سوی ترامپ و اروپا و همچنین ترور جنایتکارانه سردار سلیمانی به دستور ترامپ است.

در همین حال روزنامه آرمان هم در یادداشت مشابهی آورده است: درست است ایران طی چند ماه گذشته مکررا از آمادگی مذاکره با آمریکا و مصالحه درباره توافق جدیدی سخن گفته، اما در واشنگتن، رویکرد تهران، هنوز با واکنش سریع و مثبت ترامپ و حلقه اطرافش مواجه نشده است. هرچند هم ترامپ و هم برخی سیاستمداران جمهوریخواه آمریکا تاکید داشتند که گزینه مورد نظر آنها در ابتدا مذاکره با ایران است و تلاش خواهند کرد از طریق گفت‌وگو و مذاکره برنامه هسته‌ای ایران را مهار کنند. ولی آخرین مواضعی که مشاور آقای ترامپ در این زمینه مطرح کرده این بوده که در ماه آینده تصمیم‌گیری خواهد شد. اگر بخواهیم با توجه به اظهارات منفی و مثبت ترامپ در مدتی که از حضورش در کاخ سفید می‌گذرد، ارزیابی داشته باشیم وزنه مذاکره و مصالحه با ایران خیلی سنگین‌تر از فشار حداکثری است. هرچند این مذاکره خودش سناریوهای مختلفی را پیش‌رو دارد که شاید تحت یک سیاست حداکثری درنظر بگیرد. یعنی این‌گونه نباشد که آمریکایی‌ها بخواهند به راحتی با ایران مصالحه‌ای داشته باشند.

یادآور می‌شود برخی مواضع غلط محافل غربگرا و اظهار ضعف ظریف در داووس موجب شد جو ویلسون، نماینده آمریکایی در شبکه ایکس بنویسد: «او به شکل تحقیرآمیز برای مذاکره با ترامپ التماس کرد؛ اکنون وقت تحریم بیشتر است.».

میزان خسارت ناشی از اظهارات غلط و التماس مذاکره را باید در این ارزیابی وب‌سایت رادیو فرانسه برآورد کرد که ۱۹ مهر ۱۳۹۲ نوشت: «ارزیابی غرب از وضعیت کنونی دولت روحانی، تعامل با فروشنده بدهکار و مشتاقی است که خود را ناگزیر از فروش حقوق ملی می‌بینند. بر پایه این جمع‌بندی اگر خریدار صبور باشد، شرایط فروشنده را دشوارتر می‌کند و در همان حال، قیمت فروش را کمتر خواهد کرد».

در مقابل مواضع غیرمسئولانه و خارج از جایگاه قانونی ظریف (و اساسا غیر قانونی بودن حضور وی در دولت)، آقای عراقچی وزیر امور خارجه به تازگی، ضمن اتخاذ موضعی عزتمندانه تاکید کرد: «هیچ تصمیمی برای مذاکره با آمریکا وجود ندارد/ ملاک ما همان بی‌اعتمادی گذشته است که همچنان بر روابط دو کشور حاکم است. قبلا توافق کردیم و ما اجرا کردیم و آنها بودند که این توافق را به هم زدند. طبیعتا این بی‌اعتمادی به این آسانی و با استفاده از کلمات زیبا و خوب برطرف نمی‌شود، احتیاج به اقدامات عملی است و احتیاج به سیاست‌های مشخص دارد. وقتی از این سیاست‌ها مطلع شویم تازه بررسی کرده و تصمیم خواهیم گرفت. هیچ پیام مشخصی میان دو کشور نه ارسال نه دریافت شده است و آنچه که گفته می‌شود فقط در رسانه‌ها است».

از ترور شخصیت دولت رئیسی تا تملقات شاعرانه در دولت جدید

روزنامه وابسته به حزب کارگزاران، از سیاه‌نمایی و منفی‌بافی مطلق علیه دولت رئیسی، به سفیدشویی و تبلیغ مطلق برای برخی مدیران دولت پزشکیان روی آورده است.

روزنامه سازندگی در دوران دولت شهید رئیسی از تیترهایی مانند «طغیان گوشت (گوشت چگونه از سفره طبقه متوسط و کارگر حذف شد؟)، شکست برنامه‌های اقتصادی (با تصویری از رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت سیزدهم)، دولت رابین هودی (با طرحی توهین‌آمیز علیه محمد مخبر معاون اول دولت رئیسی)، خالی کردن جیب مردم (کاریکاتور توهین‌آمیز علیه وزیر اقتصاد دولت رئیسی)، تکثیر تورم، چاپیدن پول، سفره دلواپسان و...» برای ترور شخصیت آن دولت استفاده می‌کرد. اما اکنون دیگر صلاح نمی‌بیند مثلاً درباره گرانی عجیب و غریب سیب زمینی موضع بگیرد و مثلاً تیتر طغیان سیب زمینی را انتخاب کند. در مقابل از تیترهای تبلیغاتی مانند «نجات بانک‌ها از ورشکستگی (با تصویر همتی)، سازندگی به جای پولپاشی (تصویر پزشکیان در حال بیل زدن و آجر گذاشتن)، باز شدن قفل اقتصاد (تصویر مشترک همتی و پزشکیان) و...» استفاده می‌کند.

روزنامه حزب کارگزاران آخرین بار، تیتر اول خود را به عنوان «مدیریت بازار/ همتی وزیر اقتصاد و صید رئیس سازمان بورس چگونه توانستند در وضعیت نابسامان اقتصاد، التهاب را از بازار سهام دور کنند؟» اختصاص داد و نوشت: «بازار سهام دیگر مثل گذشته خسته و خموش نیست و سهامداران مدت‌هاست حال و روز بهتری را تجربه می‌کنند. کسی دیگر تجمع و تحصن نمی‌کند و مدت‌هاست شعار «حیا کن، رها کن» سر داده نمی‌شود. همه اینها مدیون دولت چهاردهم و برنامه‌های اصلاحی این دولت است و به طور مشخص این امتیاز را باید به نام تیم اقتصادی دولت به فرماندهی عبدالناصر همتی نوشت. آقای همتی با انتصاب‌های قابل قبول و تدوین برنامه‌های خوب موفق شد، التهاب را از بازارها دور کند و به طور مشخص، آرامش را به بازار سهام هدیه کند.»

سازندگی در ادامه با ادبیات دیو و دلبری، و متملقانه(غیر اقتصادی) می‌نویسد: «هیچ‌کس فکر نمی‌کرد یک نویسنده و شاعر، بتواند قواعدی بر بازار سهام حاکم کند که سهامداران شاکی پس از چند سال نفسی به راحتی بکشند. آقای صیدی که اکنون سکاندار بورس تهران است هم نویسنده و شاعر است و هم دوستان زیادی در میان اهالی ادب و هنر دارد، سال‌ها در نظام بانکی به کار مشغول بوده است. با این حال او بیشتر از آنکه اهل مدیریت و اقتصاد باشد، اهل شعر و شاعری است. آقای صیدی مردی میانه‌رو با روحیه‌ای آرام است که همین آرامش توانسته توشه راه او در مسیر پرتلاطم بازار سهام باشد. او جایگزین مجید عشقی شد که بازار را عشقی اداره کرد... حجت‌الله صیدی اگرچه مدیری معروف در حوزه اقتصاد است اما دوستان زیادی در میان شاعران و نویسندگان دارد و مدیری باذوق است. نشان به این نشان که در شب رونمایی از کتاب «دانشگاه خیابان» جمع زیادی از مدیران، شاعران، نویسندگان و اهالی سیاست دور هم جمع شدند تا کتاب خاطرات حجت‌الله صیدی را رونمایی کنند. حسین عبده تبریزی هم در این مراسم حضور داشت و درباره کتاب صیدی سخن گفت. عبده تبریزی در انتخابات خرداد ۱۴۰۳ مشاور اقتصادی پزشکیان شد. بنابراین سپردن حق انتخاب مدیری برای این سازمان، کمترین پاسخی بود که پزشکیان می‌توانست به مشاور اقتصادی خود بدهد. پس شکی نیست که صیدی، مورد تأیید عبده تبریزی است که دوست قدیمی خود را فردی نوگرا و مدیری با اصولی ثابت در مسیر مدیریت می‌داند و کتاب او را با آثار ویرجینا وولف مقایسه می‌کند».

تملق‌گویی روزنامه سازندگی در حالی است که اولاً بورس در دوران حضور آقای همتی در دولت روحانی، سیاه‌ترین دوران خود طی دهه اخیر را سپری کرد. ثانیاً جهش اخیر بورس به اذعان نشریات حامی دولت، ناشی از سیاست‌های دولت در گران کردن خودرو و ارز و برخی اقلام دیگر بوده است. به بیان دیگر، نشستن لبخند بر لبان چند ده هزار سهامدار، به قیمت تحمیل تورم طاقت‌فرسا به ۸۵ میلیون نفر و ضمناً فشار بر تولیدکنندگان در مقولاتی مانند گرانی ارز اتفاق افتاده و نه در مسیر رونق تولید و تاثیر آن در کاهش تورم.

به این تحلیل‌ها و اخبارنشریات حامی دولت طی چند هفته گذشته درباره علت رونق بورس عنایت کنید:

- روزنامه اعتماد: «در روز ورود نرخ برابری دلار به ریال بازار آزاد به کانال جدید ۷۵هزار تومانی، بازار سرمایه نیز بالاخره از لابه‌لای اتفاقات و حواشی عبور کرد و شاخص کل به قله‌ای رسید که در اردیبهشت ماه سال گذشته را از دست داده بود. از مهم‌ترین اخبار تاثیرگذار بازار طی روزهای اخیر می‌توان به پایان فعالیت سامانه ارز نیمایی و شروع سامانه ارز توافقی اشاره داشت». [نتیجه حذف ارز نیمایی، گرانی قابل توجه ارز و رسیدن آن به بالای ۸۰ هزار تومان بود]

- روزنامه دنیای اقتصاد: «مقاومت تاریخی بورس شکست؛ بورس تهران در پنجمین صعود متوالی هفتگی خود، مسیر افزایشی را ادامه داد. حذف دلار نیما و مبنا قرار گرفتن دلار توافقی (۵۹ هزار تومان) برای شرکت‌ها و صعود دلار آزاد به کانال ۷۴هزار تومانی از مهم‌ترین محرک‌هایی بود که استقبال از معاملات بورس را رقم زدند».

- دنیای اقتصاد که پیش از این از گران‌سازی یک‌شبه قیمت خودرو دفاع کرده بود، با اشاره به جهش شاخص بورس نوشت: «با برگزاری انتخابات و پیروزی دکتر پزشکیان، بسیاری از فعالان بازار سرمایه امید داشتند که دولت جدید بتواند رکود سنگین بازار را بشکند، اما در کمال تعجب، شرایط به شکلی کاملاً وارونه پیش رفت. یکی از بارزترین اتفاقات این دوره، تبدیل حباب مثبت سنگین صندوق‌های اهرمی به حباب منفی بود. از نیمه آبان، زمزمه‌هایی درباره صنعت خودرو و احتمال تغییر در رویکرد دولت نسبت به سرکوب قیمتی محصولات، موجب افزایش معنادار ارزش معاملات شد. نمادهای خودروساز، به‌عنوان لیدرهای بازار، نقش فعالی ایفا کردند. ابلاغ نرخ‌های جدید محصولات، امیدواری به بهبود شرایط شرکت‌های خودروساز را افزایش داد. سیاستگذار پولی و مالی در ماه‌های اخیر، اقدامات عملی در راستای حرکت به سمت بازار توافقی ارز را آغاز کرد. حذف تدریجی سیاست‌های تثبیتی، از جمله این تغییرات است».

-دنیای اقتصاد: «بازار سرمایه در ماه‌های اخیر، شاهد روندی صعودی بوده که ناشی از مجموعه‌ای از تحولات اقتصادی، سیاست‌های جدید دولت و تغییرات در متغیرهای کلان اقتصادی است. یکی از عوامل کلیدی رشد بازار سرمایه، افزایش نرخ ارز نیمایی است.»

۳۰۰ میلیون بدهید تا شرکت اقتصادی برتر شوید(!)

«برخی از رتبه‌بندی‌های شرکت‌ها و بنگاه‌ها و دریافت تندیس، بر اساس پرداخت پول انجام می‌شود»!

روزنامه جوان ضمن انتشار خبر فوق و با انتشار از کارنامه‌سازی پولی نوشت: طبق روال، هر سال، سازمان مدیریت صنعتی بر اساس اعلام صورت‌های مالی شرکت‌ها به این سازمان، ۵۰۰ شرکت برتر را در فهرست‌های صدتایی ارزیابی و اعلام عمومی می‌کند. گفته می‌شود، برخی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی از حضورشان در رتبه‌بندی سازمان مدیریت صنعتی خودداری می‌کنند و حاضر نیستند هزینه‌ای برای قرار گرفتن در این رتبه‌بندی بپردازند. خبرهای رسیده حاکی است شرکت‌ها برای قرار گرفتن در فهرست بررسی سازمان مدیریت صنعتی باید حدود ۲۵۰ میلیون تومان بپردازند و برای قرار گرفتن در فهرست برترین‌ها و اخذ تندیس از دست وزیر صمت باید مبلغی حدود ۳۰۰میلیون تومان پرداخت کنند.

آرمان خالقی، دبیرکل خانه صنعت و معدن می‌گوید: برخی از رتبه‌بندی‌هایی که با عناوین مختلف انجام می‌گیرد، ابتدا اعلام می‌شود اگر شرکتی رتبه آورد باید در هزینه‌های برگزاری همایش مشارکت کند. با توجه به اینکه قرار گرفتن در فهرست ۱۰۰ شرکت برتر تخفیفات مالیاتی یا امتیازاتی برای شرکت‌ها به همراه دارد، انتظار می‌رود متولی رتبه‌بندی شرکت‌ها با شفاف‌سازی به برخی ابهامات به وجود آمده پاسخ دهد.

سازمان مدیریت صنعتی وابسته به وزارت صمت از سال ۱۳۷۷ شرکت‌های برتر را رتبه‌بندی کرده و از میان ۵۰۰ شرکت از نظر شاخص فروش و کیفیت، ۱۰۰ شرکت برتر را معرفی می‌کند.

هدف از انجام رتبه‌بندی شرکت‌های برتر، تولید اطلاعات از بنگاه‌های اقتصادی است. در حقیقت، هدف این است شرکت‌هایی را که اثرگذاری بیشتری در اقتصاد کشور دارند، معرفی شوند، هدف دیگر کمک به شفاف‌سازی فضای کسب‌وکار کشور است. هدف سوم نیز تشویق و گسترش رقابت بین بنگاه‌های اقتصادی است. رتبه‌بندی فعلی که قرار است ملاکی برای سرمایه‌گذاران، رقابت بیشتر بین بنگاه‌ها و شناسایی بازارهای جدید کار باشد، در نهایت به ساخت تیزرها و بیلبوردهای تبلیغاتی شرکت‌های مختلف منجر می‌شود. این تبلیغات پرزرق و برق در سطح شهرها و جاده‌ها با عنوان‌هایی، چون «شرکت... در میان ۱۰۰ شرکت برتر قرار گرفت» خودنمایی می‌کنند. عملکرد برخی شرکت‌ها، بانک‌ها و نهادهای تجاری که هر ساله در فهرست ۱۰۰ شرکت برتر قرار می‌گیرند، به لحاظ سودآوری، فروش، صورت‌های مالی و مشتری‌مداری مطلوب نبوده است. برخی بانک‌ها و بیمه‌هایی که با کسری ذخایر و زیان انباشته روبه‌رو هستند، در جمع ۱۰۰ شرکت برتر قرار می‌گیرند.

انتقادی که به روش رتبه‌بندی وارد است اینکه چگونه شرکت‌ها، بانک‌ها و بنگاه‌های مختلف با یک روش سنجیده می‌شود، در حالی که نحوه عملکرد هر کدام از اینها متفاوت است و نمی‌توانند با یک روش مشابه سنجیده شوند. از همه اینها جالب‌تر اینکه سازمان مدیریت صنعتی عمدتاً به اطلاعات کدال تکیه می‌کند، این در حالی است که برای سنجش بنگاه‌های اقتصادی مانند بانک‌ها و بیمه‌ها نیازمند اطلاعات عملکردی شرکت‌هاست که باید مستقیماً از خود شرکت‌ها دریافت شود. برخی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی از حضور در رتبه‌بندی خودداری می‌کنند و حاضر نیستند هزینه‌ای را برای قرار گرفتن در این رتبه‌بندی بپردازند. اخذ چنین مبالغی با توجه به رسالتی که این سازمان برای رتبه‌بندی، شناسایی و ارزیابی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به عهده دارد، در تضاد است، از این رو ضروری است سازمان مدیریت صنعتی، ابهامات را رفع و شفاف‌سازی کند.

رئیس خانه صنعت و معدن در گفت‌وگو با «جوان» درخصوص ابهامات رتبه‌بندی شرکت‌ها در سازمان مدیریت صنعتی می‌گوید: گزارشی درخصوص اخذ وجه در این سازمان دریافت نکرده‌ایم، اما برخی رویدادها از این دست وجود دارد که ابتدا به شرکت‌کنندگان اعلام می‌شود. اگر رتبه آورند، باید در هزینه‌های برگزاری همایش مشارکت کنند. در این مواقع شرکت‌ها و بنگاه‌ها با اختیار خود شرکت می‌کنند. از آنجا که شرکت مدیریت صنعتی دولتی است، اگر برای این رویداد وجهی اخذ شده باشد، باید بازرسی و حراست وزارت صمت به موضوع ورود کند و مراتب تخلف گزارش شود.

سرلشکر سلامی:

شهید نیلفروشان افتخار سپاه است

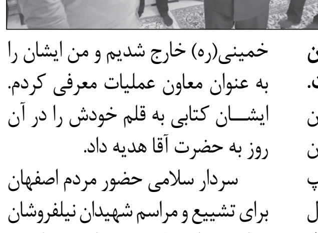

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: یک ژنرال ایرانی در لبنان به دست اسرائیلی‌ها شهید شد؛ اینها امتیازات انحصاری این شهید و افتخار بزرگی برای سپاه است، شهید نیلفروشان نه فقط افتخار این خانواده بلکه افتخار یک سپاه است.

سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به همراه سردار سرتیپ پاسدار ابوالقاسم شریفی، مسئول ایثارگران سپاه با حضور در منزل سردار سرلشکر شهید عباس نیلفروشان با خانواده این شهید دیدار و گفت‌وگو کردند.

فرماندهٔ کل سپاه در این دیدار درباره خصوصیات شخصیتی شهید نیلفروشان گفت: حاج عباس از نظر اخلاقی بی‌نقص بود، همیشه با آرامش صحبت می‌کرد و بسیار باصداقت بود؛ همچنین در انجام کارها مسئولیت‌پذیر، با همت و دقیق بود. تمام زیردستان و مافوق‌های حاج‌عباس از همکاری با ایشان احساس رضایت می‌کردند و به کارش اعتماد کامل داشتند. همچنین رفتار شهید نیلفروشان با زیردستان بسیار رحیمانه بود.

سرلشکر سلامی در ادامه با بیان اینکه شهید نیلفروشان به لحاظ فکری بسیار در انجام امور محوله مؤثر بود، یادآور شد: ایشان انسان متفکری بود و بسیار سنجیده صحبت، و معیارها را به خوبی رعایت می‌کرد. این شهید بزرگوار در هر مسئولیتی خیلی سریع جا می‌افتاد مثل مسئولیتی که در دافوس داشت.

وی با مشاهده تصویر اعطای درجه شهید توسط فرماندهٔ معظم کل قوا اظهار کرد: این عکس مربوط به پنج سال و نیم قبل و روز درجه گرفتن ایشان از حضرت آقا است. ما پس از نماز از حسینیه امام خمینی(ره) خارج شدیم و من ایشان را به عنوان معاون عملیات معرفی کردم. ایشان کتابی به قلم خودش را در آن روز به حضرت آقا هدیه داد.

سردار سلامی حضور مردم اصفهان برای تشییع و مراسم شهیدان نیلفروشان و زاهدی را بسیار پرشور دانست و افزود: شهید نیلفروشان با سردار زاهدی خیلی رفیق بود و سرانجام با فاصله زمانی اندک شهید شدند. هر دو شهید به دست شقی‌ترین دشمن اسلام شهید شدند. یک ژنرال ایرانی در لبنان به دست اسرائیلی‌ها شهید شد؛ اینها امتیازات انحصاری این شهید و افتخار بزرگی برای سپاه است. شهید نیلفروشان نه فقط افتخار این خانواده بلکه افتخار یک سپاه است.

وی در ادامه با اشاره به مقام شهادت و شهدا این جایگاه را این‌گونه توصیف کرد: شهدا بالاترین درجه‌ها را دارند؛ اینها وسط میدان هستند؛ زمانی که حرفی می‌زنند ابتدا خودشان عمل می‌کنند؛ بنابراین شهادت ابتدا نصیب اینها می‌شود. این امتیازات بسیار ارزشمند است. بهترین سرنوشت برای هر کسی همین است و هیچ عاقبتی برای آقای نیلفروشان بهتر از شهادت نبود و نمی‌توانست آرزوی ایشان را برآورده کند. این عبارت شهید سید حسن نصرالله در توصیف شهید نیلفروشان است.

در پایان این دیدار سردار سلامی لوح درجهٔ رشادت سرلشکری سردار شهید عباس نیلفروشان را به همراه لوح سپاس تقدیم خانوادهٔ معزز شهید کرد.